پرتوامر ونهی آیات قرآنی واحادیث نبوی در دیوان حکیم سنایی غزنوی

دکتر ماه نظری[1]

چکیده

اشعار سنایی، پر از نکات ظریف و اشارات لطیف اخلاقی، فلسفی، دینی، کلامی، عرفانی، اجتماعی و اوامر و منکرات است. در تمام این موارد به عظمت روح انسانی که هدف کُل آفرینش است اشارات مکرر دارد و هم چون **دگرمصلحان جهان**، به پیروی از سنت راستین احمد مرسل، امر به معروف ونهی از منکر می‌کنند تا آن نفس ناطقه‌ی؛ محبوس و مهجور شده را، با کمند ریاضت و از طریق امر و نهی، چنان بپرورانند که تحت بندگی هیچ چیز و هیچ کس قرار نگیرد. به همین دلیل، شعر را جولانگاهِ این اندشه‌ها می‌داند. سنایی با رستاخیز کلام، انسان در خود گم گشته را، ارشاد می‌کند و به گونه‌ای دلنشین و جذاب، شوق او را بر می‌انگیزد تا دستورالعمل‌هایی را که در آیات آسمانی قرآن و احادیث، برای رستگاری و نیل به کمالجویی اوست چون موم و شهد در هم آمیزد و همچون نیشتر، عقده‌های درونیش را بشکافد و مرهم نهد. در این مقاله امر به معروف و نهی از منکر را با ذکر آیاتی و احادیثی چند و با تطبیق اشعاری از حکیم سنایی، ذکر نموده‌ایم و میزان تأثیرپذیری سنایی را از آیات قرآن کریم در جدولی با ذکر درصد بهره‌گیری وی نشان داده‌ایم.

واژه‌های کلیدی: قرآن وحدیث، امر به معروف، نهی از منکر، عرفان، سنایی.

---

1 - استادیار دانشگاه آزاداسلامی، واحدکرج، گروه ادبیات فارسی، کرج، ایران

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۴۹ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۵۱ ◇◇◇

می‌ساختند و فرمودند: «الأمرُبالمَعرُوفِ کفاعِلِهِ.»(رسول اعظم، ۱۳۸۵، صص: ۸۰ـ ۷۹) به اعتقاد، رسول اکرم، صیانت نفس اولین گام درخودسازی است که می‌فرمایند: «الخیرُ کلّه صیانۀ الانسان نفسه» (شُعبظ الحرّانی، ۱۳۷۳، ص: ۲۸۵) زیراحادثه‌ی بدی که در جامعه رخ دهد بر همه‌ی مردم آن جامعه اثر می‌گذارد. هر گناه فردی پیامدهایی دارد که همه‌ی افراد جامعه را در بر خواهد گرفت، زیرا تظاهر به گناه هم چون عمل کسی که در کشتی است و می‌خواهد در کابین خود سوراخی ایجاد کند که اگر از آن جلوگیری نشود سرانجام جان دیگران را نیز به خطر خواهد انداخت. اگر اولین ستمگر مکافات شود بعد از اجرای عدالت، دیگر رهبرِ ستمگری پیدا نخواهد شد که مردم از او پیروی کنند... و هر که بتواند ستمگری را سرزنش کند و نکند چنان است که خود ظلم کرده باشد.(طبرسی، ۱۴۰۸، ج۲،ص: ۳۵۹) دیانت اسلام، به دنبال تأسیس جامعه‌ای است که در آن انسان‌ها خواه فردی و خواه گروهی، دستور دهندهِ به امر کننده به معروف و باز دارنده‌ی از منکر باشند که این روش باعث تغییرات مطلوبی در شخصیّت افراد می‌شود و آنان را وامی‌دارد تا ارزش‌های معنوی را ارج نهند که پویایی اسلام مرهون امر به معروف و نهی از منکر است. (بوازار،۱۳۸۵،صص:۸۱ـ ۸۰).

به همین دلیل افراد خود را باید تغییر دهند و در اعمال و رفتار خویش تجدید نظر کنند و رابطه‌ی مستقیمی بین اصلاح فرد و جامعه وجود دارد که خداوند در کلام وحی می‌فرماید: « اِنّ الله لایُغیرُ ما بقومٍ حتّی یُغیّرُ وَاما بأنفسِهِم.» (الرعد /۱۳) امر به معروف و نهی از منکر باعث احیاء جامعه می‌شود که مولای متقیان این فریضه را برتر از جهاد می‌داند زیرا معتقدند که جهاد واقعه‌ای است که گاهی پیش می‌آید ولی امر به معروف و نهی از منکر همواره در جامعه تأثیر گذارتراست. (حضرت علی، ۱۳۷۴، صص :۱۲۶۴ـ ۱۲۶۳)

انسان آگاه و مؤمن را گریزی از امر و نهی نیست که رسول خدا می‌فرماید:ای علی

۱۵۳ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۵۵ ◇◇◇

بازتاب امر به معروف در دیوان سنایی

ایمان به خدا، پذیرفتن دین اسلام، اطاعت از فرمان‌های الهی و رسول خدا، مهر به رسول و خاندانش، توکل:

شهادت گفتن آن باشد که هم از اوّل در آشامی همه دریای هستی را بدان حرف نهنگ آسا
نیابی خاروخاشاکی دراین ره چون به فرّاشی کمربست وبه فرق استاددرحرف شهادت لا
(همان:۵۲)

« اللهُ لا اله الّا هُو الحیُّ القیُّومُ ...» (البقره /۲۵۵)

ناصرخسرو معتقد است که «لااله الّا الله» گفتن از سرصدق و اخلاص جوشنی نفوذ ناپذیر در مقابل تمام حوادث بد و شوم است و می‌فرماید:

چـــــــــوگفت کـــه لا اله الّا الله نـایدش بـــــــــه روی هیچ دشواری
(ناصرخسرو،۱۳۸۴: ۳۵۱)

****

مـــهر رسول مرسل ومـــــهر علی وآل بـــر دل گـــمار وگیـــر به جنّا ت ساکنی
(سنایی،۱۳۶۲: ۷۰۱)

« قُل إن کنتُم تُحبّونَ اللهَ فاتّبعُونی یُحببکم اللهُ ویَغفرلکُم ذنوبَکم وَاللهُ غفورٌ رحِیمٌ.»
(آل عمران /۳۱)

«...أنَّ اللهَ خلقَ للجنَّةِ أهلا خلقهُم ...» (رک:فروزانفر،۱۳۷۰: ۱۱۴)

به راه انـــبیا باید ترا رفتن اگر خواهی کـــه علم انـــبیا دانی وســـرّ اولیـــا یابی
(سنایی،۱۳۶۲: ۶۱۵)

«قُل هذِهِ سَبیلی أدعُوا إلی اللهِ بَصیرةٍ أنا وَمَن اتّبعَنی وَسُبحانَ اللهُ ...». (یوسف/ ۱۰۸)

****

مبـــارزه با نفـــس امّاره، طلب عفو و مغفرت از اعتقادات قلبی ســـنایی سرچشـــمه می‌گیرد زیرا بر این باور اســـت که قالب انســـانی از اسفل ســـافلین و روح او از اعلی

۱۵۷ ◇◇◇

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۵۹ ◇◇◇

تکـــیه برشرع محمّد کن وبرقرآن کن زان کجا عروه‌ی وثقای تو جز قرآن نیست
(سنایی،۱۳۶۲: ۹۸)

«...فمَن یَکفربالطّاغوتِ وَیؤمِن باللهِ فقد استمسَـــکَ بالعُروَۀِ الوَثقی لاانفصامَ لها ...»
(بقره/۲۵۶)

جهاد

«الجهادُ أربعٌ: ألأمر بالمعرُوفُ والنهیُ عَن المُنکرِ والصّدقُ فی مَواطنِ الصّبرِ وَ شنانُ الفاسِـــقِ.» (جهاد بر چهار نوع اســـت: فرمان به کار خوب و نهی از کار بد و راســـتی در موقع صبر (ســـختی و فشار باعث دروغ نشود) و انزجار از شخص فاسق.)(رسول اعظم،۱۳۸۵،ص: ۸۰)

جعفر طیاربـــــــــاید تا به علّیین پرد حـــیدرکرّار بایـــد تا زدشـــمن کین کشد
(سنایی،۱۳۶۲ :۱۳۸)

جاآن و تن ودل باخته بر نـطع ارادت نـــاکرده بـــرین باخـــت زنایافت زمانی
(همان: ۶۸۷)

«إنّ اللهَ اشتریَ مِن المؤمنینَ أنفسَهُم وأموالهُم بأنَّ لهُم الجنّۀَ یُقاتِلونَ فی سبیل اللهِ ..»
(توبه/۱۱۱)

خشـــکاندن ریشه‌های فســـاد: اگر این امر عملی شود دیگر منکری وجود نخواهد داشت و یا بیش از حد کاهش می‌یابد. از بین بردن فقر، فساد جنسی، بیکاری، اصلاح عقایـــد و... می‌توان در اصلاح جامعه مؤثر واقع شـــود. پیامبر می‌فرمایند: «کاد الفقرُ اَن یَکونَ کُفراً.» (حر العاملی،بی تا، ج۱۱، ص:۲۹۳)

****

از خلافست این همه شرّدر نهاد بوالبشر وزخلافست آدمی درچنگ جنگ وشوروشر
(سنایی،۱۳۶۲: ۲۶۲)

«الّذین یَنقُضون عهد الله مِن بعدِ مِیثاقهِ ویَقطَعُونَ ما أمَرَ اللهُ بِه أن یُوصَلَ وَ یُفسِدونَ فی الأرضِ اولئک هُم الخاسرون». (بقره/۲۷)

منکرات در اشعار سنایی

مؤمنش خوانند جـــانش خوش شود ور منافق تیز وپُـــــر آتـــــش شود
(مولوی،۱۳۷۶، ۲۹۰/۱)

دور کن بود ریا از خود که تا آزاده وار مسجد ومیخانه رامحرم شوی چون بوریا
(سنایی،۱۳۶۲: ۴۴)

«... یَقُولُونَ بأ فواهِهِم مالیسَ فی قلُوبِهم وَاللهُ أعلَمُ بِما یَکتُمُونَ». (آل عمران / ۱۶۷)

****

دین بی علم جهل است: «قال الصادق (ع):أنهاک أن تدینَ اللهَ بالباطلِ ویُفتی الناسَ بما لا تعلمُ». (کلینی، ۱۳۶۷،ج۱ ص۴۲)و(رک: المائده/ ۴۹ والاشقاق /۱۵ ۱۰)

عهده‌ی فتوی دین بی علم درگردن مگیر وعده‌ی شاهی وشادی بی خرد دردل مکار
(سنایی،۱۳۶۲: ۲۱۶)

فتوی دهـــی وعلم همی گویی ولیکن باکس ده وپنجیت نه وشور وشری نیست
(همان:۱۰۱)

« مَن أفتی بغیرِ عِلمٍ کانَ إثمُهُ علی مَن أفتاهُ وَمَن أشارَ علی أخیه بأمرٍ یعلمُ أنَّ الرّشدَ فی غیرهِ فقدخانهُ.» (نهج الفصاحه،۱۳۸۵،ص ۴۳۰)

« ... یرفـعِ اللهُ الذّین آمنوا منکم والذّین اوتوا العلمَ درجات والله بما تعملون خبیر». (المجادله /۱۱)

وای آن، علمی که از بی عقل باشد منتشر وای آن زهدی که از بی علم یابد انتشار
(سنایی،۱۳۶۲: ۲۱۶)

اشـــاره به حدیث: « إذا عَلمَ العالِمُ فلم یَعمَلْ کانَ کالمصباحِ یُضیءُ لِلنّاسِ وَیُحرقُ

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۶۳ ◇◇◇

/۱۳۴ورک:حمد/۷)

خشـــم و غضـــب در احادیث، مورد نکوهش قـــرار گرفته اســـت: «اِنَّ الغضبَ مِن الشّیطانِ ...» (رسول اعظم،۱۳۸۵،ص۲۴۹)

****

یکی از مهمترین محورهای اعتقادی سنایی، دوری ازشرک است :

ای ســـــــــنائی به گـرد شرک مپوی آن چـــــــــه گوید مگوی عقل مگوی
(سنایی،۱۳۶۲،ص ۱۱۰۵)

«یا بُنیّ َ لا تُشرِک باللهِ إنَّ الشّرک َ لظلمٌ عظیمٌ .» (لقمان/۱۳)

****

گرت همسایه حسد ناک بود زو بگریز گـــرهمه زاهـــد وعـــابد بود ودانشمند
(سنایی،۱۳۶۲: ۱۵۹)

« وَمِن شـــرِّ حاسِدٍ إذا حَســـدَ.» (فلق /۵) در احیاءالعلوم آمده: «کاد الحسدان یغلب القدر.» (غزالی، ۱۳۵۲،ج۳ :۱۲۹)

****

نهی از محرّمات و رواج منکرات، دوری از خبیثات، دروغ، بی توجهی به اقشار کم درآمد، از دغدغه‌های فکری سنایی است که وی را می‌آزارد:

درشریعت کی روا باشد دوخواهر یک نکاح در طریقت هردو را از خود مبرّا کردن است
(سنایی،۱۳۶۲: ۸۵)

« ...وَ أن تجمعُوا بَینَ الأُختینَ إلّا مَا قد سَلفَ إنَّ اللهَ کانَ غفوراً رحِیماً .» (نساء/۳۳)

****

همگان ســـــــــغبه‌ی صیدند وحرام کوکـــــــسی کز پی حـق در حـــرمست

از خبیثات وخبیثین گر بپرهیزی همی روی را بر طـــیّبات وطیّبـــین باید نهاد
(سنایی،۱۳۶۲ :۱۰۸ و۱۴۸)

« الخبیثــاتُ للخبیثینَ وَالخبیثــونَ لِلخبیثاتِ وَ الطّیّباتُ لِلطّیّبیــنَ والطّیّبُونَ لِلطِّیّباتِ اُولئِکَ مُبّرئُونَ مِمّا یَقولونَ لهُم مَغفِرَةٌ وَ رِزقٌ کریمٌ.» (نور /۲۶)

منع رذایل اخلاقی در جامعه

طمع وحرص وبخل وشهوت وخشم حســـد و کبـــر و حــقد بد پیـــوند
هفت در دوزخند در تـــــــن تو ســـــــاخـــته نفســشان درو در بنــد
(سنایی،۱۶۲ :۱۵۳)

که یادآور این آیه مبارکه است که: « یقولُ الانسانُ یومئذ اَینَ المفرّ» .(القیامهٔ / ۱۰)

« وَ إنَّ جَهَنّمَ لموعِدُ هُم اَجمَعینَ. لها سَــبعَةُ اَبوابٍ لِکلّ بابٍ مِنهُم جُزءٌ مَقسُــومٌ.» (حجر/ ۴۵-۴۴)

بخل: «...البُخلُ شــجرةٌ مِن أشجار النّار أغصانُها متدلِّیاتٌ فی الدّنیا فمَن أخذ بِغُصنٍ منها قادهُ ذلک الغصنُ إلی النّار» (نهج الفصاحه،۱۳۸۵ :۱۰۸)

****

جاهلان‌راچاره‌نیست‌ازنسبت‌پست‌ودروغ مارمهره جوی نادان نیست دوراززهرمار
(سنایی،۱۳۶۲: ۲۱۹)

«..وإذا لم یهتدوا به فَسَیقولونَ هذا أفک قدیم.» (الأحقاف/۱۱)

همچنین در غررالحکم آمده: «الناسُ اعداءُ ما جهلوا» و «الجهلُ اصلُ کُلّ شرٍّ.» (تمیمی آمدی، بی تا، ج ۱، ص ۲۰۲ و ۲۰۳)

****

حبّه دزدان از تــرازوها بر اطراف دکان طبــع را در حبّه دزدیدن مخیّر کرده‌اند
(سنایی،۱۳۶۲: ۱۵۰)

« وَیلٌ لِلمُطفّفین...ألا یَظُنُّ اُولئکَ أنّهُم مبعُوثونَ .لِیومٍ عظیمٍ...وَما أدرائک ما سجّینٌ.» (المطففین/۸-۱)

فصلنامه‌ی تخصصی زبان و ادبیات فارسی ◇◇◇

۱۶۷ ◇◇◇

فرد، کسی است که از اصلاح نفس خود درمانده و ناتوان باشد. این گونه نظارت‌ها را همگانی قلمداد می‌کند و محدود به قشـــر خاصی نمی‌داند. ادبیات یکی از ابزار مهم، برای اشـــاعه‌ی امر به معروف ونهی از منکر اســـت و در این راستا باید شیوه‌ی عملی و تبلیغی را در پیش گرفت، توأم با احترام، رعایت شـــخصیّت افراد، ارشاد، نرمخویی، معرفـــی ارزش ها، تکرار و تلقین، با بهره گیری از هنر، شـــعر، طنز، حکمت، موعظه، بزرگ نمایی الگوهای مثبتِ موّفق و ایجاد فضای مناســـب برای این فرامین الهی. زیرا هدف اصلی از امر به معروف و نهی از منکر، تحقق معروفات و از بین رفتن منکرات اســـت. امر کننده به معروف و نهی کننـــده از منکر باید، خود عامل معروف و اجتناب کننده از منکر باشد تا لاجرم آن چه از دل بر آید بر دل نشیند.

بسامد اثر پذیری قرآنی در دیوان حکیم سنایی

ردیف	اثر پذیری	تعداد	مجموع	درصد
۱	واژگانی	۲۳۰	۱۱۲۵	۱۸/۰۴
۲	اقتباس	۱۱۸	۱۱۲۵	۱۰/۸۴
۳	حل	۳۲	۱۱۲۵	۲/۴۸
۴	ترجمه	۲۰۲	۱۱۲۵	۱۷/۵۹
۵	تفسیر	۷۹	۱۱۲۵	۷/۰۲
۶	تلمیح	۱۴۷	۱۱۲۵	۱۳/۰۶
۷	تطبیقی	۹۷	۱۱۲۵	۸/۶۲
۸	تصویری	۱۰۹	۱۱۲۵	۹/۶۸
۹	درج	۷	۱۱۲۵	۰/۶۲
۱۰	چندسویه	۵۹	۱۱۲۵	۵/۲۴
۱۱	تأویلی	۶۷	۱۱۲۵	۵/۹۵
۱۲	تضمین	۵	۱۱۲۵	۰/۴۴

۱۶۹ ◇◇◇

تصحیح مدرّس رضوی،تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ششم .

۱۵- سیوطی، جمال الّدین عبدالرّحمن بن ابی بکر، (بی تا)، جامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر، لبنان – بیروت، دارالفکر .

۱۶- الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، (۱۳۵۰)، ترجمه تفسیر مجمع البیان، باترجمه دکترمحمد مفتح، انتشارات فراهانی، چ اول .

۱۷- الطبرسی، میرزا حسین بن محمد تقی نوری، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البیت لاحیاءالتراث، بیروت، چاپ دوم. بی جا، انتشارات فراهانی، ۱۳۵۴ .

۱۸- الطوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ ه)، الرسا ئل العشر،جامعه مدرسین قم .

۱۹- غزالی، ابو حامد محمد، (۱۳۵۱)، احیاء العلوم، ترجمه‌ی مؤید الدین و به اهتمام حسین خدیو جم تهران، بنیاد فرهنگ ایران.

۲۰- قتیبه دینوری، ابو محمّد عبدالله بن مسلم، (۱۹۷۳)، عیون الاخبار، مجلد الهیئت المصری العامۀ الکتاب.

۲۱- قربانی لاهیجی، (۱۳۷۹)، فریضه امر به معروف ونهی از منکر از دیدگاه قرآن وسنت، بی جا، نشر سایه .

۲۲- قریشی، سید علی اکبر، (۱۳۶۷)، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب اسلامی، چ دهم .

۲۳- الکلینی الرازی، ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۳۶۷)، اصول کافی، ترجمه وشرح سید جواد مصطفوی، تهران، دارالکتب اسلامیه.

۲۴- الکاشانی، ملافتح الله، (۱۳۳۳) «تفسیرکبیر» منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران، انتشارات چاپخانه محمد حسن علمی.

۲۵- گوهرین، (۱۳۸۰)، اصطلاحات عرفانی، تهران، نشرزوار، چ اول .

۲۶- المصری، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم بن منظور، (۱۴۰۸ه.ق)، لسان العرب، بیروت، دارالصادر.

۲۷- (المصری)، عبدالباقی، محمد فؤاد، (۱۳۷۲)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم،

انتشارات اسلامی تهران، چ اول .
۲۸- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵)، ده گفتار، انتشارات صدرا، چ پنجم .
۲۹- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۵)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب اسلامیه،تهران، چ بیست وچهارم .
۳۰- مولـوی محمّد بن محمّد بن الحسـین البلخی،(۱۳۷۶) مثنوی، بـه تصحیح رینولد الین نیکلسون، تهران، انتشارات بهزاد، چ نهم .
۳۱- ناصر خسـرو، (۱۳۸۴) دیوان اشـعار، تصحیـح مجتبی مینوی، مهـدی محقق، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چ ششم .
۳۲- نجمی، محمد صادق، (۱۳۷۷)، سخنان حسین بن علی(ع) از مدینه تا کربلا، قم، انتشارت اسلامی چ ششم .
۳۳- هوازن قشـیری، عبدالکریم، (۱۳۶۱)، ترجمه‌ی رساله قشیریّه، ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی، تحقیق بدیع الزمان فروزانفر، تهران، مرکز انتشارات علمی وفرهنگی .
۳۴- هجویری، علی،(۱۳۷۱)، کشف المحجوب، تصحیح ژوفسکی، مقدمه دکترغنی، تهران، کتابخانه طهوری،چ دوم .